

## نسخه خوانی (۲)

رسول جعفریان

**متن زیبایی از قرن یازدهم هجری، از زبان طلبه‌ای که از مدرسه بیرونش کرده‌اند. بسیار لطیف نوشته است:**

مظفر حسین کاشی به مولانای معظم مقتدای افخم مولانا حسن علی که اخراج او از مدرسه فرموده بودند نوشته:

اگر مدرسه نشینی به تصرف حجره و مشغولی به افاده و استفاده است، پس فقیر از مدرسه نشینان نباشم، و چون در مدرسه نباشم، چون بیرون روم؟ و چگونه کسی را اخراج توان کرد که داخل نباشد،

و اگر مدرسه نشینی به این است که شب در صحن مدرسه خوابند، باید که لران و کردان و لوطیان و قماربازان مدرسه نشین باشند، و بعد از آنکه همه را بیرون کرده باشند، فقیر را نیز بیرون کنند،

و اگر به این است که در متوضیء به قصد طهارت می‌روم، و در مسجد وقت نماز داخل می‌شوم، باید که اکثر مردم شهر مدرسه نشین باشند، و اگر مسلمانان را از شهر بدر باید کرد تا مسجد و مدرسه خالی شود، و طلبه به فراغ بال به افاده و استفاده مشغول شوند، مرا نیز از شهر بیرون کنند،

و اگر به این است که بسته رخت پوشیدنی در یکی از حجره‌ها سپرده‌ام، بسیار مردم غریب عامی هستند که هم صحبت و هم خوابه طلبه‌اند. اگر چیزهای ایشان را بدر انداخته باشند، بسته رخت فقیر را نیز بدر اندازند.

با وجود اینها چون دانستم که سرزنش خلق و گفتگوی مردم باعث تفرقه حال و تصنع احوال ایشان می‌شود، بسته رخت خود را برداشته، یعنی قبا را پوشیده و دستار بر سر بسته، و بالاپوش بردورش انداخته، از مدرسه به قهوه‌خانه نقل کردم. «ما مردمان خانه بدوشیم و خوش نشین».

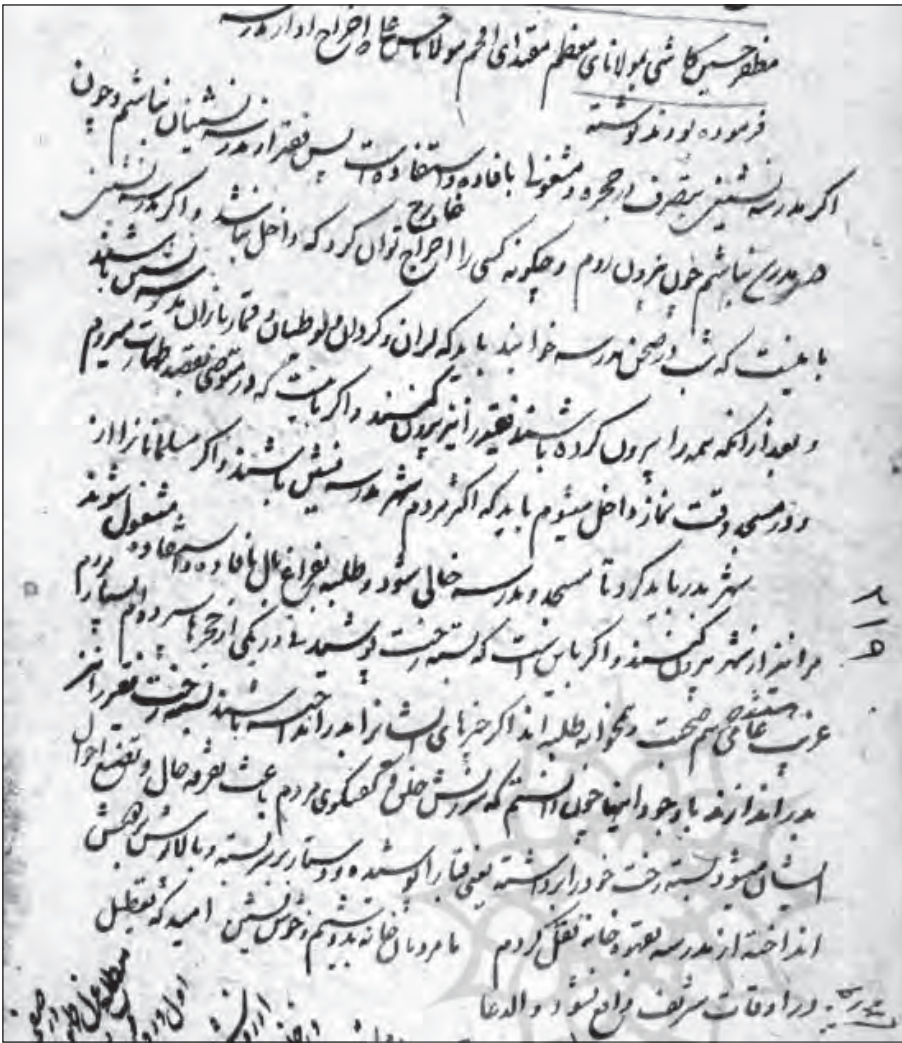
امید که تعطیل در اوقات شریف واقع نشود و الدعاء. (از نسخه ۳۳۴۹ مجلس، فریم ۱۱۴)

چکیده:  
نویسنده در نوشتار حاضر متن چند نسخه در زمینه های مختلف را مورد بازخوانی قرار داده است. برخی از این متون بدین شرح اند:

- متنی از قرن یازدهم از زبان طلبه ای که از مدرسه بیرونش کرده اند.
- خبر محاصره مشهد در سال ۱۲۶۵ در انجامه کتاب سرورالعارفین
- یادداشتی درباره وضع دانش نجوم در دوره تیموری
- ماده تاریخ های سلطنت سلاطین صفوی و ...
- اشاره به زمان چند واقعه تاریخی در دوره اخیر صفوی
- تاریخ ولادت، جلوس و درگذشت برخی از شاهان صفوی و ...

کلیدواژه:

نسخه خوانی، نسخه خطی، خوانش متون.



### خبر محاصره مشهد در سال ۱۲۶۵ در انجامه یک کتاب

کتاب سرور العارفین از ملانوروز علی بسطامی، در سال ۱۲۶۵ در مشهد درباره قیام مختار نوشته شده و چنانکه خود گوید، منبع عمده وی کتاب سرور المؤمنین مرحوم میرزا هادی نائینی بوده است. در انجامه کتاب اشاره به خبر محاصره مشهد در سال ۱۲۶۵ دارد. همین طور به شغل کشیک بودن خود که یک شب در میان بوده. به هر روی این انجامه حاوی اطلاع جالبی از وضع مشهد است، وضعی که در همان حال، مشغول نگارش این اثر هم بوده است.

تمام شد آنچه منظور بود که در این صحیفه تحریر شود و اتمام این نسخه شریفه در شب هشتم ماه شعبان، شب جمعه، دو ساعت به صبح باقی مانده، در تحت بقعه عرش درجه ثامن الائمة و ضامن الغریاء علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء واقع شده ۱۲۶۵.

و چون در زمان تحریر این نسخه شریفه حقیق عاصی بلکه سکنه ارض اقدس رضوی، به قدری مستأصل و پریشان و امور ایشان مختل بود که مزیدی بر مافوق آن متصور نتوانی نمود، زیرا که به واسطه لشکر بسیار که احاطه بر اطراف مشهد مقدس آن امام اختیار نموده بودند، موافق آیه شریفه «ولنبلوکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابین» همه اینها از برای حقیق و سکنه ارض فیض قرین موجود بود، علاوه دو مریض در خانه داشتیم که حواسم از دست ایشان پریشان، و علاوه بر این کشیک برج باره ارض فیض قرین که نوبه حقیق بود یک شب در میان، و علاوه سخن گفتن و مجالست نمودن با اشخاصی

و اسرار ایشان مجمل بود که در بقع مرقومان تصور شود و فی جود و در  
 که بواسطه منکر دنیا که اطراف ایشان مشهود مقدس است امام احادیث  
 بودند و احوال شریفه و باطنی و کشف الحقیقی و البصیر و بصیرت  
 الاموال و الانفس و القلوب و غیر المتعارفین هر انبیا از زبان حق که  
 سکنا برضی عرض موجی بود و در او روحی و حقا و حقا و حقا که  
 حوام از دست ایشان برهان و علاقه و بران کشید هیچ باز از  
 قبضه حق که بر حصر بود کسب در میان و عاقل و سخن گفتن و محاسن  
 نمودن باطنی که اهل عالم بشر به نظرش نرسد و بجز خود حق  
 حق که در محاسن کمال و معرفتش نبوده بود در آن مکان از صحبت  
 مستفات بنی نوع ایشان بود با او در همین وقت و زمان حق چون  
 جسد ساز سومین بعد از شروع حصر و در اقل این فضا شریعت  
 ایشان بر بنویسند و آنچه در حصر جمع می شود اسعاف و اسعاف است

که اصلاً راه به شریعت و طریقت نبرده و به جزیز و ریش جثه حیوانی تحصیل کمال و معرفتی  
 ننموده بودند، در آن مکان از صعب ترین مشقات بنی نوع انسان بود. آری در همچنین وقتی  
 و زمانی چون چند نفر از مؤمنین، بعد از شروع حقیق در تألیف این نسخه شریفه، ایشان نیز به  
 نوشتن آنچه حقیق جمع می نمودم اشتغال داشتند، لهذا با این تفرغ بال و کثرت ملال بحمد الله  
 که تمام نمود و از خجالت ایشان درآمدم.

و لکن خدا رحمت نماید مرحوم میرزا هادی نائینی را که کتاب سرور المؤمنین ایشان عمده  
 اسباب حقیق بود و اغلب اوقات از عبارات و اشعار ایشان نقل نموده.

خداوند عالم ثواب بیتوته این شب جمعه حقیق را در آستان مبارک ثامن الائمه به روح پرفروش  
 مرحوم میرزا هادی برساند و او را با حضرت امام رضا علیه السلام محشور فرماید.

### یادداشتی با ارزش درباره وضع دانش نجوم در دوره تیموری

۲۸ شهریور ۱۳۹۵

متن زیر مقدمه‌ای است که عامد بن جمال بخاری برای کتاب تسهیل القمر خود نوشته است. این اثر کاری  
 است درباره منازل قمر و محاسبات مربوط به آن. کتاب یاد شده یک مقدمه دو صفحه‌ای دارد که بنده از نظر  
 تاریخی به آن نگاه می‌کنم، مقدمه‌ای که حاوی چندین نکته جالب درباره حوزه تمدنی تیموری و مشکلات  
 آن در میانه قرن نهم هجری است.

نخستین نکته این است که دربار تیموری در هرات با همت الغ بیگ سلطان (۷۹۵ - ۸۵۳) به مرکزی  
 برای پژوهش‌های نجومی درآمده بوده و مهم‌ترین محصول آن زیج الغ بیگ بود. مؤلف ما در همین دوره  
 می‌زیسته و با تعبیر ادبی، ستایش قابل ملاحظه از این فضای علمی دارد. در آن سال‌ها زیر نظر خود سلطان  
 و بر اساس زیج او، هر ساله استخراج تقویم می‌کرده و به سلطان عرضه می‌کرده است: «و این ضعیف، سال  
 به سال، علی‌ای حال، ازین زیج استخراج تقویم کواکب کرده، به عرض همایون می‌رسانید».

نکته دوم آن است که خود او و طالب علمان دیگر زیر چتر حمایت سلطان به راحتی و در آسایش مشغول  
 کارهای علمی بوده‌اند، اما پس از کشته شدن وی در جنگ با پسرش عبداللطیف، اوضاع سیاسی آن دیار  
 به هم ریخته و با زماندگان همه به جان همه افتاده‌اند.

نکته سوم آن است که نویسنده ما مانند بسیاری از افرادی که در ماوراءالنهر  
 بودند، در این قبیل موارد، راهی حرمین شریفین شده و در آنجا زندگی  
 می‌کردند. عماد بخاری هم همین کار را کرده و در آنجا به کارهای علمی  
 سرگرم شده است.

نکته چهارم آن که اوضاع سمرقند به سامان شده و سلطان ابوسعید گورگان  
 توانسته امنیتی برقرار کند. در شرایط جدید، افرادی مانند وی به منطقه  
 بازگشت. در فضای تازه همین کتاب تسهیل القمر را نوشته و این بار هم در  
 سایت حمایت سلطان جدید و به قول وی جوان بخت به کارهای علمی  
 مشغول شده است.

او تأکید می‌کند که اگر اوضاع این چنین باشد می‌تواند کارهای علمی  
 دیگری هم انجام دهد.

و نشأت و ذوق و کمالی پیدا شد و از صفی سادت و اقبال الهی آن دیار خورشید تابان و آفتاب سوزنده طالع  
 شد و از بخت حضرت سلطان برآمد با دولتی که بخت و بخت و بخت است و بخت است و بخت است  
 و همانا، ساختن آن ملک را بعد از زمان گذشته است و حال تا در میان آن دیار بخت و بخت و بخت و بخت  
 و اطلاق از نظر طالع و عالم با سلطان من مالا کان، انزل لعل و الا سبحانه علی ان سلطان ابوسعید با گورگان  
 خلاصه که در سلطنت از سیدان این شهر و شهر این شهر و این شهر و این شهر و این شهر و این شهر و این شهر  
 بر او برسی تمام ما این مستخدم و در عهد دولت این پادشاه بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت  
 شد و در آن نام رسید و در کاه عالم پناه آورده آنرا بصری ما این مستخدم امید زلفت عجم از حضرت است  
 که بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت  
 باشد و وقت سعادت ناید کواکب و کواکب از بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت  
 و عالی دولت ابوسعید گورگان که در جهان بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت  
 او را شایسته علم و سزای بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت  
 دولت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت و بخت  
 خلد و حمد و الحمد لله العظیم

بگیرند، و در ثانی ایام گذشته و آینده الی غیر النهایه به ادنی اشارتی تعدیل معدل قمر حاصل توان کرد؛ این طریقه را به عرض استاد مکمل دستور الافاضل، لازال کاسمه المبارک علیا رسانیده به استصواب این حضرت به تمهید قاعده این طریقه مشغول شدم.

در اثنای امر پیش از آن که این مهم ساخته گردد، حضرت سلطان را صد مرتبه شهادت یافته، به جوار رحمت حق پیوست. بعد از آن فتنه و آشوب و خون ریزش میان امرا و سران ملک پیدا شد، و با یک دیگر مخالفت کردند، و حال عامه رعایا و سواکن این دیار ضعیف شد.

علی الخصوص حال طلبه علم که آن حضرت این جماعت را به مثابه پدری مشفق بوده، و ثمره این خلاف و نتیجه این مخالفت، به سبب قلت حال و تنگی معاش گشت، و هر کسی از متغلبان دست تعدی دراز کرده، قصد مال مسلمانان می کردند،

و چون این حال مشاهده کردم با این جماعت متغلب مجاورت مصلحت ندیدم، و از شرایشان امان جسته، پناه به حریم حرم و قبله گاه بنی آدم برده، متوجه کعبه معظمه - شرفها الله - شدم و به آن دولت مشرف گشته، در جوار بیت الله الحرام ساکن گشتم، و مدتی آن جا به درس و مطالعه علوم مشغول می بودم.

تا خبر آمد که شام غمگینان و اندوه سینه مسکینان به صلاح عیش و شادمانی و نشاط و ذوق و کامرانی میدل شد، و از افق سعادت و اقبال اهالی آن دیار خورشیدی تابنده و آفتاب فرخنده طالع شد، و از بنی اعمام حضرت سلطان را صد پادشاهی که به حلیه عفت و حکمت و شجاعت آراسته است، سمرقند را مقرر سریر سلطنت و جهان داری ساخته، آن مملکت را به عدل مزین گردانده است، و حال عامه سواکن آن دیار به خیر انجامیده، و هو السلطان الاعظم و الخاقان المعظم، ظل الله فی العالم، باسط الامن و الامان، ناشر العدل و الاحسان، خلیفه الزمان، سلطان ابوسعید بهادر گورکان - خلد الله ملکه و سلطانه.

از رسیدن این خبر و ظهور این ظفر شادمان شدم، و بی توقف متوجه دار السلطنه سمرقند گشت، به شرف بساط بوسی خدام همایون مستعد شدم، و در عهد دولت این پادشاه جوان بخت عادل، باز به تمهید قاعده مقرّر و تسهیل قمر مشغول شدم.

و چون به اتمام رسید، رو به درگاه عالم پناه آورده، آن را به عرض همایون رسانیدم، امید از لطف عمیم این حضرت آن است که به تشریف قبول بنده ضعیف نحیف را سعادت مند و سرفراز گردانند.

و چون عنایت پادشاه اسلام همراه این ضعیف باشد و فرصت مساعدت نماید، کواکب دیگر را نیز تسهیل کرده، به عرض مبارک رسانیده آید.

بنده معمولاً در برخی نوشته هایم از جنبه های منفی نجوم یا به عبارتی تنجیم یاد کرده ام. اکنون هم تأکید می کنم که مع الاسف گرایش عجیبی به تنجیم در تمدن اسلامی بوده، شاید مانند بسیاری از ملل و این یکی از مهم ترین دلایل عقب ماندگی ما بوده، اما نباید از حق گذشت که آثار عالمانه بسیار زیادی هم در این تمدن نوشته شده که حوزه تیموری یکی از بهترین و برترین آنهاست.

ممکن است برخی از کلمات را درست نخوانده باشم. پیشاپیش در این باره عذرخواهی می کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم: الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين

اما بعد چنین گوید اضعف عباد الله تعالى واحوجهم الى الله الملك الباری، «عماد بن جمال البخاری» که چون حضرت افلاطون زمان سکندر صاحبقران سلطان الشهدا و برهان الحکما، قطب السلاطین «الغ بیگ سلطان» را علوهمت و رفعت مرتبت مقتضی و باعث گشت بر قلعه گشایی افلاک دوار و پرده ربائی از چهره مخدرات ثواب دستیار، بنا بر آن عنان عزیمت به جانب ثمره شجره بطلمیوس و کتاب تحریر طوسی معطوف داشته، به حل غوامض او مشغول شد، و به اعماق خواص قریا و اضلاع و زوایای او رسیده، رسایل و متوسطات از برای تجنیس احوال سلطان سیارات روان ساخته، از برای مبارزان هنرپیشه و مهندسان بلند اندیشه میمنه و میسره بیاراست، و بر خنگ رفیع رصد برنشسته، متوجه قلعه سموات گشت، و به نصرت و قوت برهان هندسی و شوکت حجت قطاع سهام و قسی فیلان کج روافلاک را به حوزه تصرف و دایره تسخیر درآورده، در قید سلسله ذات الحلق کشید، و طاووس زرین خسرو سیال و قمری سیمین قمر دوار در چرخ کشیده، و تیزروان سواکن علوی و آهوان مساکن سفلی به حلقه کمند شعاع البصر و شبکه حساب به قطر دایره و محور دست گیر کرده، در دام جدول به دانه ارقام جمل جمله را رام ساخته، زیجی نیکو تمام پرداخت، و طغرای فتح و ظفرنامه قلعه افلاک به اطراف و اکناف بسیط خاک روان گردانید.

و این ضعیف، سال به سال، علی ای حال، ازین زیج استخراج تقویم کواکب کرده، به عرض همایون می رسانید، و در خاطر شکسته می گذشت که تقویم قمر مشکل تر، و از همه سیارات مهم تر، و اعتنای بیشتر است؛ اگر از برای او جدول موضوع گردد که بی واسطه عمل و شائبه خلل، تعدیل معدل از عجز و نقل از آن جدول حاصل آید، هر آینه نزد عقل کاری عظیم و فایده عمیم خواهد بود.

و مدتی درین تأمل بودم تا از حضرت ملهم الصواب، به طریقه شامل و فایده کامل هدایت نمود که چون یک روزه ی مرکز و خاصه از زیج مذکور

اردبیل: ۸۹۳ / تاریخ وفات: شاه جهان کرد جهان را وداع: ۹۳۰  
تاریخ جلوس شاه طهماسب: «ظَلَّ» و ایضاً: جای پدر گرفتی کردی  
جهان مسخر / تاریخ سلطنت شد جای پدر گرفتی / تولدش: ۹۱۹ /  
تاریخ وفات: گورش پرنور: ۹۸۴

تاریخ جلوس شاه عباس ماضی: ظَلَّ الله / تاریخ ولادت: پادشه هفت  
اقلیم / تاریخ وفات: چرخ گفتا ماه را آمد خسوف / عقل گفتا منکسف  
شد آفتاب [۱۰۳۸]

تاریخ جلوس شاه صفی: ظَلَّ حق [۱۰۳۸]

تاریخ جلوس شاه عباس ثانی: ظَلَّ معبود [۱۰۵۲]

تاریخ جلوس شاه سلیمان: ایام سلطنت بسلیمان رسید باز: ۱۰۷۸ /  
ظل القوی [؟۱۰۷۷]

تاریخ عمارت چهار باغ اصفهان: نهانش بکام دل شه برآید: ۱۰۰۸

تاریخ توجه شاه عباس به زیارت نجف اشرف: توگلت علی الله

تاریخ وفات میرداماد ره: عروس علم و دین را میرداماد

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین ره: افسوس ز مقتدای دوران [۱۰۳۰]

تاریخ فوت شیخ علی بن عبدالعالی: مقتدای شیعه: ۹۴۰

تاریخ شهادت شیخ زین الدین: نیکوشهید ثانی: ۹۶۶ [درست آن ۹۶۵  
است]

تاریخ فوت علامه حلی روزیکشنبه ۲۱ محرم سنه ۷۲۶ / ولادتش سنه ۶۴۸

تاریخ فوت شیخ مفید: ۴۱۳

تاریخ فوت سلطان یعقوب: ۹۰۲

فوت رستم پادشاه: ۹۰۳

فوت شیخ سعدی: خاص ۶۹۱ [خاص مساوی با ۶۹۱ است]

فوت سلطان حسین میرزای بایقراء: ۹۱۱

آمدن سلطان بایزید رومی: ۹۶۷

فوت قاضی جهان: «قاضی جهان»

فوت محمدخان سلطان: ۹۰۶

قتل ولی سلطان: ۹۷۶

واقعه شاه اسمعیل ثانی: ۹۸۵

فوت امیر علیشیر: ۹۰۶

ملاقات شاه طهماسب با همایون شاه: (صراط مستقیم): ۹۵۰

فوت کاتبی: نماند کاتبی و ماند نام او بجهان

واقعه میرزا سلیمان: ۹۹۶

ابتدای خلقت نور محمدی صلوات الله علیه و آله تا سنه ۱۱۰۲ هجری:

بیست و هشت هزار و چهار صد و بیست سال

ان شاء الله العزیز حق سبحانه و تعالی دولت این صاحب قران با کرم  
و جهان دار محتشم را دیرسال پاینده دارد، و درر شاهوار شاهزاده‌های  
بزرگوار او را ثیبات! علم و هنر پرورده تشریف عدالت کرامت فرماید، و  
هریکی را والی عصری و حامی دیری گردانیده، ارکان دولت و اعیان  
حضرت او همیشه مظفرو منصور باشند، و اعدا و مخالفان منکوب و  
مقهور، و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین.

## ماده تاریخ‌های سلطنت سلاطین صفوی و ...

بارها از اهمیت یادداشت‌های پشت نسخه‌ای یاد کرده‌ایم. از آن جمله  
همین دو صفحه است که شماری از تواریخ مهم را که اغلب همراه با  
ماده تاریخ است آورده است. مواردی از این قبیل، بازدهم دیده شده است.

یادداشت مربوطه، از دوره صفوی و به احتمال قریب به یقین سال ۱۱۰۲  
هجری است، سه سال پیش از پایان سلطنت شاه سلیمان صفوی (م  
۱۱۰۵). بخش نخست ماده تاریخ‌ها مربوط به سلاطین صفوی تا شاه  
سلیمان است. قسمتی دیگر مربوط به علمای جدید و بیشتر قدیم و  
شماری مربوط به چند واقعه مهم قتل بزرگان. همین طور نمونه‌ای از  
درگذشت برخی از سلاطین و وزیران قبلی.

در انتها محاسبه سال‌های از آغاز خلافت تا ۱۱۰۲ و همین طور مقاطع  
مهم مانند فاصله برخی از انبیاء یا سلاطین باز تا سال ۱۱۰۲ که سال  
تحریر نگارش این یادداشت است.

ممکن است برخی از این تواریخ محل تردید باشد، چنان‌که درباره  
شهید ثانی مشهور در آن زمان ۹۶۶ بوده، اما اکنون روشن است که سال  
شهادت وی ۹۶۵ بوده است. در برخی موارد فقط ماده تاریخ را آورده،  
اما سال را قید نکرده است.

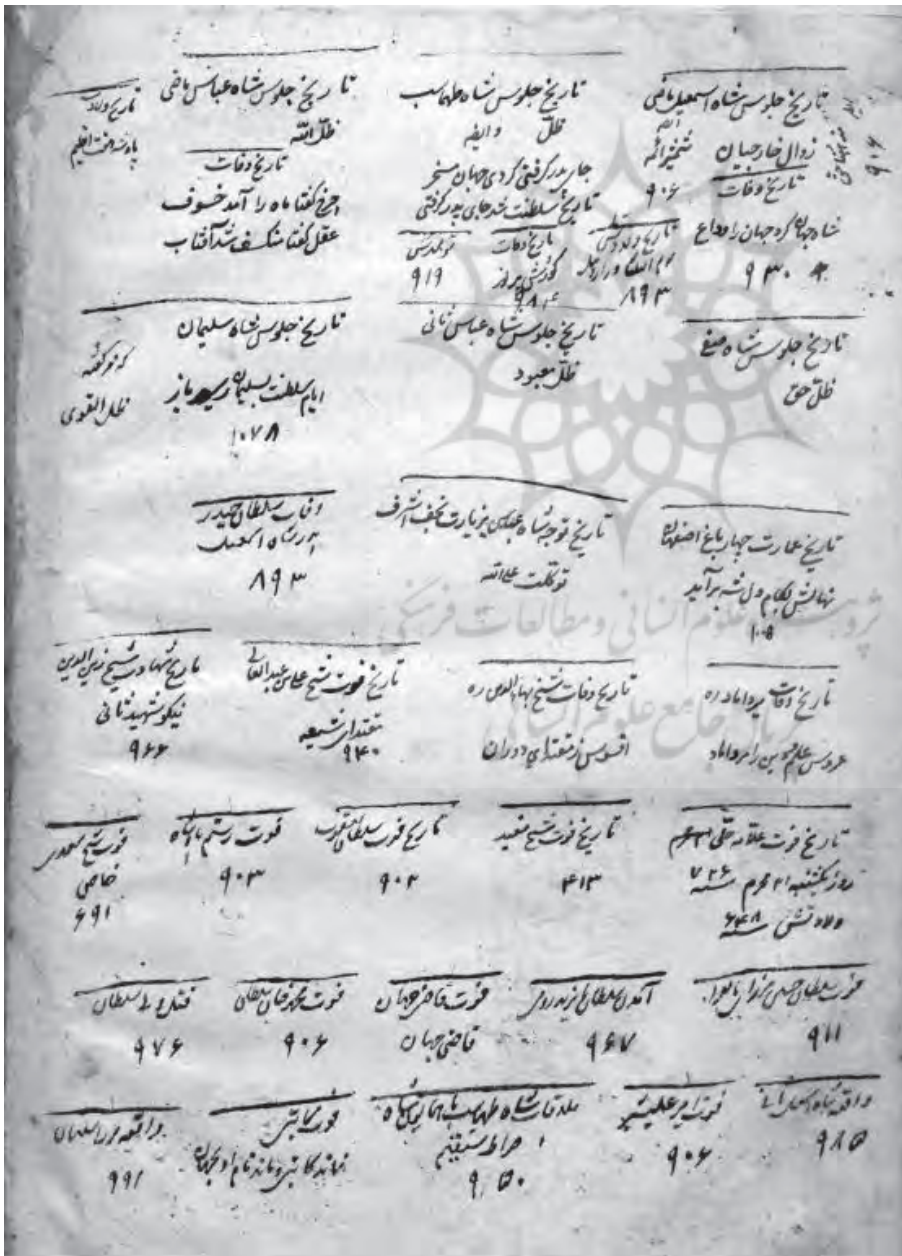
بسیاری از این ماده تاریخ‌ها رسمی و شناخته شده است. برای مثال  
«مذهبنای حق» برای به تخت نشستن شاه اسماعیل که درباره آن  
داستان‌هایی هم وجود دارد. معمولاً سعی می‌شد جمله یا کلمه زیبایی  
باشد. در این باره نوعی تناسب در نظر گرفته می‌شد. مثل مردن با رفتن  
به جنان یا سفر با تعبیر توکل علی الله یا رسیدن به سلطنت با آمدن  
نور و از این قبیل. در میان اینها که در اینجا آمده تعبیر «خون» برای  
چنگیزخان یکی از زیباترین‌هاست. این یادداشت، پشت نسخه‌ای  
جنگ مانند به شماره ۱۷۳۸۰ در کتابخانه مجلس آمده است.

## تواریخ وقایع مهم عالم

وفات سلطان حیدر پدر شاه اسمعیل: ۸۹۳

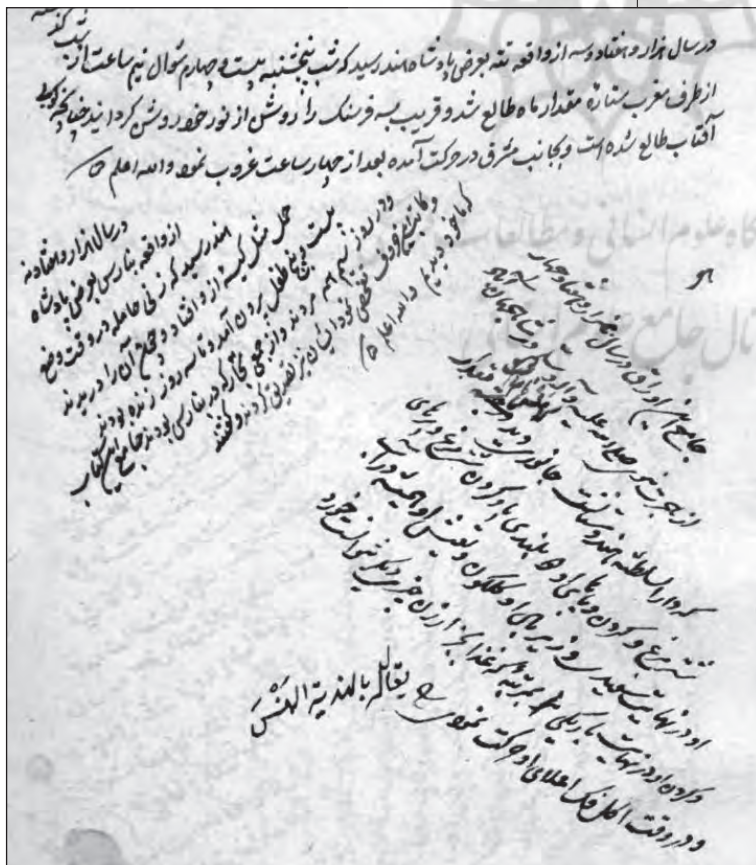
تاریخ جلوس شاه اسمعیل ماضی «زوال خارجی» ایضاً «شمشیر  
آتمه»: ۹۰۶، ایضاً: «مذهبنای حق» ۹۰۶ / تاریخ ولادتش یوم الثلاثاء در

از ابتدای دوره انجم و افلاک تا سنه ۱۱۰۲: هشت صد و شانزده هزار سال و نه صد و ده سال  
 از خلقت جن تا سنه ۱۱۰۲: شصت و سه هزار و یک صد و چهل و چهار سال  
 از بنای گنبد هرمان [اهرام مصر] که جنیتان در حوالی مصر ساخته‌اند: سیزده هزار و سی صد و هفتاد سال  
 هیوط حضرت آدم از بهشت تا سنه ۱۱۰۲: هفت هزار و چهل و چهار سال  
 از ولادت حضرت نوح نبی علیه السلام تا سنه ۱۱۰۲: پنج هزار و دویست و سی و چهار سال  
 از بعثت شیث نبی علیه السلام تا سنه ۱۱۰۲: شش هزار و هشت صد و چهار سال  
 از طوفان نوح تا سنه ۱۱۰۲: چهار هزار و دویست و سیزده سال  
 از ولادت حضرت ابراهیم - علی نبینا و علی آله تا سنه ۱۱۰۲: سه هزار و نه صد و سی سال  
 از عهد حضرت سلیمان تا سنه ۱۱۰۲: دو هزار و چهار صد و سی سال  
 از صعود حضرت عیسی به آسمان تا سنه ۱۱۰۲: یک هزار و هشت صد و دو سال



رفیق بودند شنید که میرزا در سال هزار و شصت و هشت هجری [۱۰۶۸] از بندر عباسی به کشتی نشسته روانه بندر سورت بودم که شبی از شبها، یک ساعت پیش از صبح جهت وضو ساختن به کنار کشتی رفتم. چون بالای چارپایی نشستم، ریسمان گسسته به دریا افتادم، غلام فقیر خبردار شده سنبکی به طلب فقیر فرستادند. فقیر را نیافته مراجعت نمودند. بار دیگر اهل کشتی سنبک را به جستجوی فرستادند باز نیافته برگشتند. مرتبه سیم قریب به چهار ساعت از روز گذشته باز سنبک را به جستجوی فقیر فرستاده، تطمیع بسیار کردند و کشتی را استاده کردند. بعد از طی یک فرسنگ به فقیر رسیدند. فقیر را یافته به میان کشتی آوردند. و فقیر از شنواری عاری بود و جز از غوطه خوردن چیزی دیگر نمی دانست. و الله اعلم.

و نظیر این حکایت است آنچه کاتب حروف در سنه سته و سبعین بعد الالف [۱۰۷۶] در شاهجهان آباد خود دید که در سال مذکور زنی در سن سیزده سالگی، روزی در کنار کشت نارسیده، دیده بانی می کرد. سه سوار نزدیک به غروب براو گذشته، گفتند که ای میاراجو! برای ما از زراعت نارسیده بیار که تناول کنیم. گفت: شما می بینید که خوشه نکشیده و از گفته ایشان ترس براو غالب گشته، تب محرق کرد و او را آلت مردان پیدا شد. و در همان سال زنی به سن چهل سالگی که ریش دو مویه بسیار کثیف به مقدار یک قبضه و نیم داشت، کاتب حروف دید.



از بعثت حضرت موسی تا سنه ۱۱۰۲: از عهد انوشیروان و ولادت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سلم تا سنه ۱۱۰۲: یک هزار و یک صد و پنجاه و دو سال تاریخ شاه شجاع: حیف از شاه شجاع تاریخ شاهی جهان شاه: خرابی جهان زمان سلطنت امیر تیمور گورکان: ۸۰۹ تاریخ قتل الغ میرزا که عباس او را کشت: عباس کشت قتل میرزا شاه حسین: نوک خنجر تاریخ وفات دانشمند خان یزدی: و توقفا مع الابرار تاریخ چنگیز خان «خون».

### چند یادداشت تاریخی از سالهای ۱۰۶۸، ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ هجری در هند

در سال هزار و هفتاد و سه از واقعه تته، به عرض پادشاه هند رسید که شب پنجشنبه بیست و چهارم شوال نیم ساعت از شب گذشته، از طرف مغرب ستاره ای مقدار ماه طالع شد و قریب به سه فرسنگ را روشن از نور خود روشن گردانید، چنانچه گویی آفتاب طالع شده است و به جناب مشرق درآمده بعد از چهار ساعت غروب نمود، و الله اعلم.

در سال هزار و هفتاد و نه از واقعه بنارس، به عرض پادشاه هند رسید که زنی حامله در وقت وضع حمل، مثل کیسه ای از او افتاد، و چون آن را دریدند بیست و پنج طفل بیرون آمد و تا سه روز زنده بودند و در روز سیم همه مردند، و از جمعی از تجار که در بنارس بودند جامع این کتاب، و کاتب این حروف تفحص نمود، ایشان نیز تصدیق کردند و گفتند که ما خود دیدیم. و الله اعلم

جامع این اوراق در سال هزار و هفتاد و چهار [۱۰۷۴] از هجرت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم در شاهجهان آباد که دارالسلطنه هندوستان است، جانوری دید مقدار شتر مرغ و گردن و پاهای او دو بلندی پا و گردن شتر مرغ، و پره های او در نهایت سفیدی و زیر بال او گلگون و تعیش او همیشه در آب، و گردن او در نهایت باریکی به مرتبه ای که غذا به جزار زن چیزی دیگر نتوانست خورد و در وقت اکل، فک اعلائی او حرکت نمودی. يقال له بالهندي الهنس

کاتب الحروف محمد علی رازی از سیادت پناه میرزا شمس الدین محمد ولد میر تاج الدین حسین گلستانه اصفهانی و جمعی از ثقات که با میرزا مذکور در کشتی

## اشاره به زمان چند واقعه تاریخی در دوره اخیر صفوی

نسخه‌ای با عنوان کتاب النوادر به شماره ۴۰۲ در مدرسه مروی نگهداری می‌شود که مجموعه‌ای از مطالب تاریخی و حدیثی درباره عقاید تشیع و برخی از حکایات تاریخی و مباحث امامت با آمیخته‌ای از عربی و فارسی است. درباره ماهیت این نسخه و مؤلف، باید کار جدایی صورت گیرد، اما آنچه در اینجا تقدیم می‌کنم، یک صفحه شامل یادداشت‌هایی تاریخی از وقایع روزگار صفوی است که در یکی از صفحات پایانی این نسخه آمده است. مع الاسف، فهرست نسخه‌های کتابخانه مدرسه مروی با وجود اهمیت، بسیار ناقص معرفی شده و نه تنها نسخه‌ها درست معرفی نشده، به یادداشت‌های مهمی که در این نسخه‌ها آمده کمترین اشاره‌ای نشده است. حتماً باید دوباره این نسخه‌ها فهرست نویسی شود.

این نسخه در حوالی سال ۱۱۴۲ و بعد از آن در اختیار شخصی به نام عبدالعالی بوده که مطالب متفرقه‌ای در چند جای آن نوشته است. در صفحه‌ای از آن هم اشعار مفصلی درباره شاه طهماسب مربوط به سال ۱۱۴۲ آمده که جالب است.

اما درباره وقایع تاریخی صفحه مورد نظر دو واقعه مهم آمده، یکی درگذشت شاه عباس ثانی (بدون اشاره به نام او و با تعبیر قضیه که اینجا کنایه از مرگ است) و برتخت‌نشستن شاه سلیمان و دوم برتخت‌نشستن فرزندش شاه سلطان حسین. اما به چندین واقعه دیگر درباره سفرهای نظامی به قندهار و مرو و شیراز و مسقط و نقاط دیگر اشاره دارد که علی‌القاعده باید در جای خود مهم باشد. همین طور از اشخاصی یاد می‌شود. به نظرمی رسد بیشتر گزارش سفرهای نظامیان به نقاط مختلف است. این وقایع از سال ۱۰۷۶ آغاز و به سال ۱۱۱۱ پایان می‌یابد. ممکن است در خواننده شدن برخی از کلمات تردید باشد، اما آنچه ارائه شده با تصویری که خواهیم گذاشت، قابل تطبیق است و عزیزان خواننده می‌توانند خودشان هم در این باره دقت کنند.

در اینجا محتوای این صفحه را می‌آورم و اطمینان دارم که شاید اشاراتی از آن به کار برخی از پژوهش‌های تاریخی و پژوهشیان این دوره بیاید.

بیفزایم که بنده این قبیل یادداشت‌های کوتاه را بعدها - اگر عمری بود - در کلک و کتاب مجلد سوم خواهیم آورد. سال؟ تاریخی که سفر مازندران روی داد:

بتاریخ شهرربیع الاول سنه ۱۰۷۶ سفر مازندران روی داد.

بتاریخ شهرربیع الثانی سنه ۱۰۷۷ قضیه شاه روی داد، و شاه سلیمان برتخت نشست.

بتاریخ شهررجب سنه ۱۰۷۷ میرزایی به اتفاق جمشید خان روانه شدند.

بتاریخ شهررجب سنه ۱۰۸۴ قضیه عالیحضرت آقایی روی داد و عالیحضرت میرزایی روانه عراق شدند.

بتاریخ شهرشوال سنه ۱۰۸۱ باز به قندهار تشریف بردند.

بتاریخ ۲۰ شهر محرم سنه ۱۰۸۴ کلب علی خان را گرفتند.

بتاریخ شهرشوال سنه ۱۰۸۵ عالیحضرت میرزایی از قندهار مرخص شد و کوچ کردند.

بتاریخ شهرذی قعدة سنه ۱۰۹۰ قضیه حاجی میرزایی روی داد.

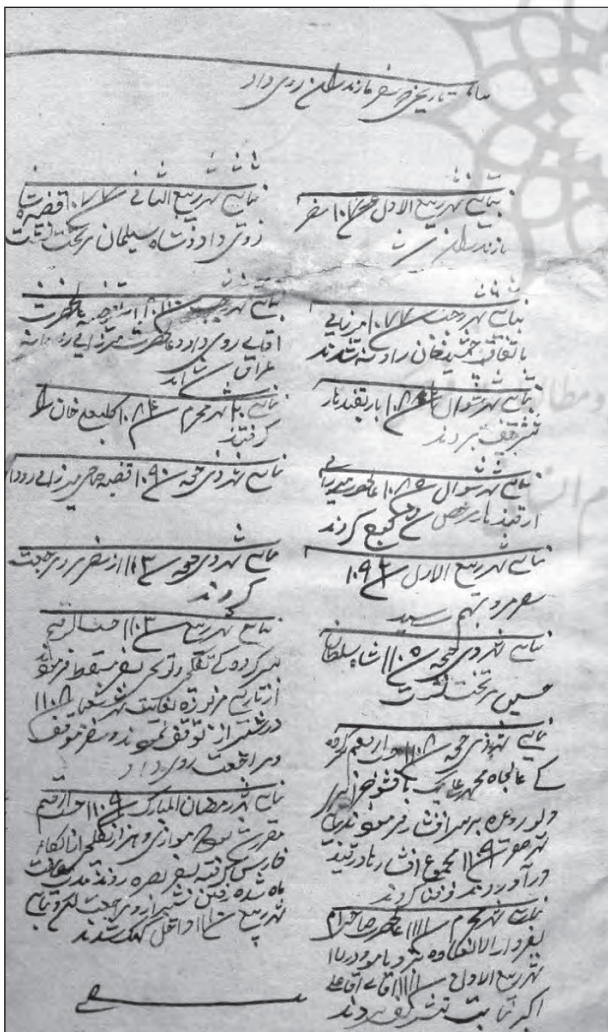
بتاریخ شهرربیع الاول سنه ۱۰۹۱ سفر مرو بهم رسید.

بتاریخ شهرذی حجه سنه ۱۱۰۳ از سفر مرو مراجعت کردند.

بتاریخ شهرذی حجه سنه ۱۱۰۵ شاه سلطان حسین برتخت نشست.

بتاریخ شهرربیع سنه ۱۱۰۳ حسب الرقم به سرکردگی تفنگچی و توپچی به سفر مسقط فرمودند. از تاریخ مزبوره لغایت شهر شعبان سنه ۱۱۰۸ در شیراز توقف نمودند، و سفر متوقف و مراجعت روی داد.

بتاریخ شهرذی حجه سنه ۱۱۰۸ حسب الرقم بسرکردگی عالیجاه





بنده شاه ولایت طهماسب = ۹۳۱  
 مدت عمر شریف ایشان: ۶۳  
 وفات نواب جنت مکانی: ۹۸۴  
 آمدن سلطان بایزید ۹۶۶ «قیصر آمد کلید روم آورد».  
 صلح پادشاه جنت .. با سلطان سلیمان / هاتفی از غیب درین کهنه  
 دیر غلغله افکند که الصلح خیر: ۹۶۹  
 وفات نواب سلطان حمزه میرزا نورالله مرده: ۹۹۴  
 فتور القاص میرزا / خرابی عالم: ۹۵۴  
 قتل معصوم بیگ صفوی در سفر مکه معظمه دو منزل به مکه مبارکه  
 مانده: ۹۷۹  
 ولادت قدس سریرت نواب کامیاب سپهرکاب همایون ظل الهی  
 شاه عباس خلدالله ملکه شب چهارشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانی .

محمد علی بیگ باقشون جزایری و لور و عرب بر سر افشار فرمودند.  
 بتاریخ شهر صفر سنه ۱۱۰۹ مجموع افشارها در بند در آوردند و فنا کردند  
 بتاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۰۹ حسب الرقم مقرر شده بود که  
 سواری و هزار تفنگچی از الکاء فارس گرفته به سفر بصره روند مدت  
 هفت ماه شده رفتن به شیراز و مراجعت آن و بتاریخ شهر ربیع سنه ۱۱۱۰  
 داخل کهک شدند.  
 بتاریخ شهر محرم سنه ۱۱۱۱ عالیحضرت صاحبی ام به سفردار  
 الا.....  
 بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۱۱۱ آقای آقا علی اکبر به نیابت تشریف  
 بردند.

## تاریخ ولادت، جلوس و درگذشت برخی از شاهان صفوی

باز هم یک صفحه از یکی از نسخ خطی (مجلس، شماره ۸۵۳۹، ص ۳۹۹) در تاریخ برخی از وقایع روزگار صفوی داریم. بیشتر درباره تولد و جلوس و مرگ شاهان است. تاریخ‌ها از ۸۹۲ تا ۱۰۳۸ سال درگذشت عباس اول است. در بین تاریخ چند عالم از روزگار قدیم هم آمده است. امیر معزی، بوعلی، سید مرتضی، سید رضی و فارابی. به زمان درگذشت برخی از شاهزادگان و امرا هم اشاره شده است. درباره این تاریخ‌ها باید دقت بیشتری کرد، اما مهم این است که اینها روی نسخه‌ای است که همان روزگار عباس اول مانده است. در بخش اول که تاریخ اسماعیل اول است، کسی بعداً اسماعیل دوم را افزوده است. ماده تاریخ‌ها اغلب جالب و معنادار است و می‌شود روی آنها حساب کرد.

ولادت با سعادت نواب جنت آشیانی شاه اسمعیل ... اول دولت است.

(ولادت اسماعیل دوم ۹۵۰. جلوس شاه اسمعیل دوم ۹۸۴) [بعداً در اینجا افزوده شده]

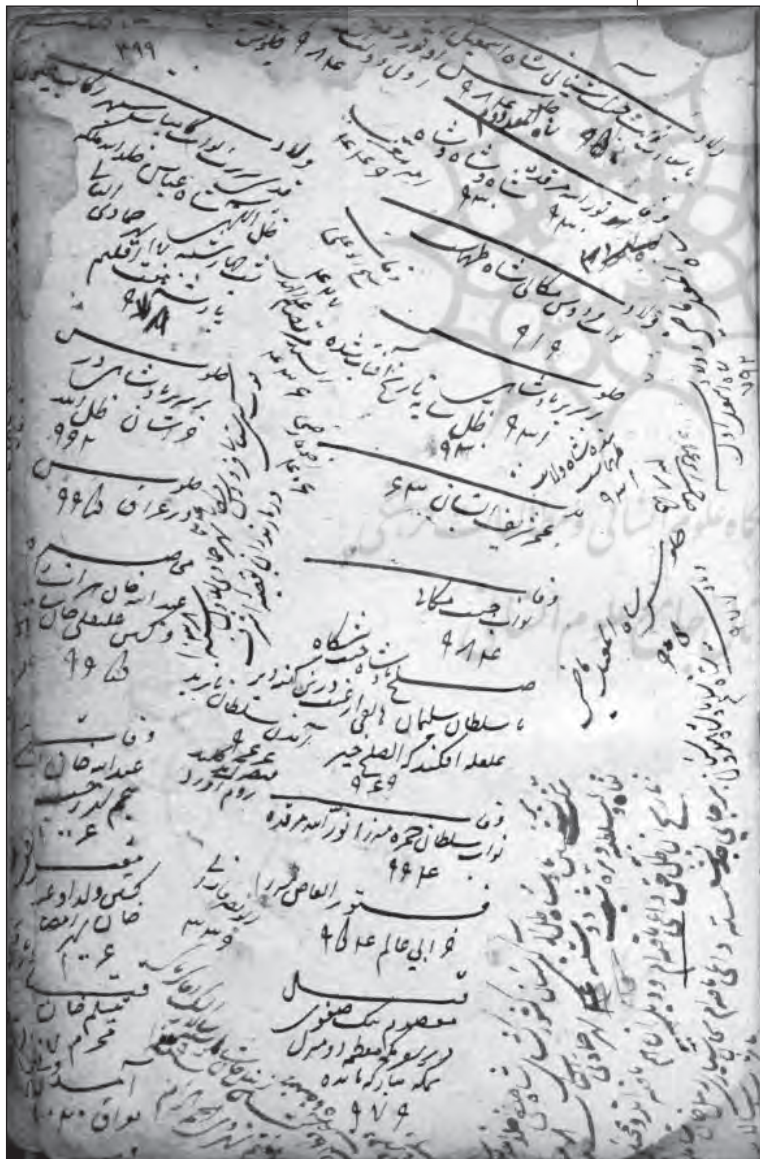
وفات شاه اسمعیل ماضی نورالله مرده: ۹۳۰. «شاه و شاه و شاه» = ۹۳۰

ولادت شاه اسمعیل اول: ۸۹۲

جلوس شاه اسمعیل ماضی: ۹۰۵

ولادت نواب فردوس مکانی شاه طهماسب: ۹۱۹

جلوس بر سر پادشاهی ۹۳۱. ظل سایه تاریخ آفتاب شده ۹۳۰



«پادشه هفت اقلیم» = ۹۷۸

جلوس بر سریر پادشاهی در خراسان. «ظل الله»: ۹۹۲

جلوس در عراق: ۹۹۵

فوت گیتی ستانی فردوس مکانی شهر جمادی الاول سنه ۱۰۳۸ در

مازندران به قصبه اشرف

محاصره عبدالله خان هرات را و کشتن علیقلی خان شاه: ۹۹۵

وفات عبدالله خان پنجم شهر رجب ۱۰۰۶

... کشتن ولد او عبدالله خان را شهر رمضان ۱۰۰۶

قتل تلیم خان محرم ۱۰۰۷

آمدن ... به عراق ۱۰۲۰

امیر معزی: ۴۴۹

وفات شیخ ابوعلی: ۴۲۷

السید مرتضی علم الهدی: ۴۳۶

اخوه رضی: ۴۰۶

آمدن سلطان بایزید: ۹۶۶/قیصر آمد

کلید روم آورد

ابونصر فارابی: ۳۳۹

صاحب ابن عباد: ۳۸۵

ولادت شاه سلیم پادشاه هندوستان:

۹۷۷

### چند تاریخ مهم از ۱۱۶۱ تا - ۱۲۶۴

در اطراف یک صفحه از نسخه شماره (ص ۱۲۵، ۱۲۶) ۲۷۸۶ دانشگاه چند تاریخ آمده که برخی مربوط به شاهان و چند تاریخ آن هم امور دیگر مانند زلزله تبریز و شماری هم شخصی است. این موارد به این شرح است.

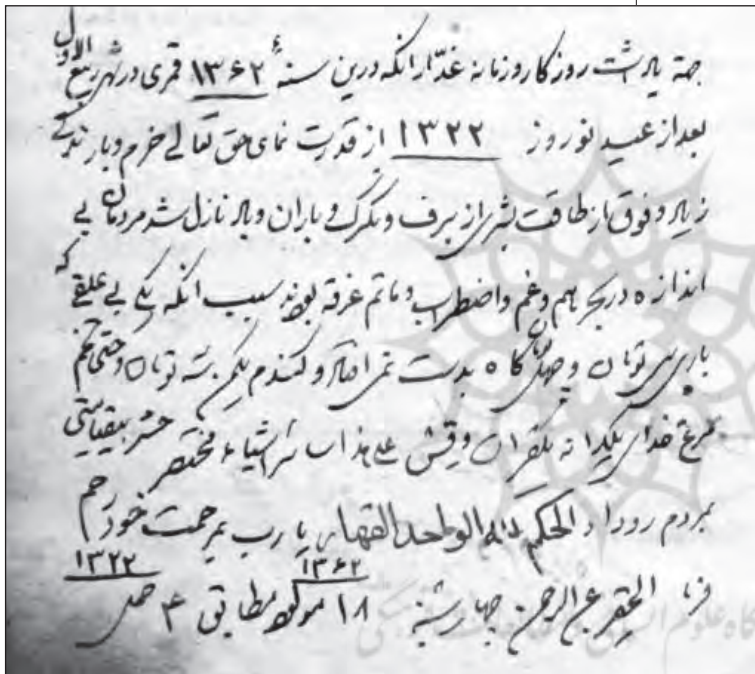
وفات نادرشاه سنه ۱۱۶۱

وفات آقا محمد شاه: سنه ۱۲۱۱



### یادداشتی درباره گرانی سال ۱۳۲۲ ش

جهت یادداشت روزگار گذار آن که در این سنه ۱۳۶۲ قمری، در شهر ربیع الاول، بعد از عید نوروز ۱۳۲۲ از قدرت نمایی حق تعالی، خرم! و بارندگی زیاد و فوق از طاقت بشری از برف و تگرگ و باران و باد نازل شد. مردمان بی اندازه در بحرهم و غم و اضطراب و ماتم غرقه بودند. سبب آن که یکی بی علفی که باری سی تومان و چهل تومان گاه بدست نمی افتاد، و گندم یک من سه تومان و حتی تخم مرغ خدای! یک دانه یک قران، و قس علی هذا سائراشیاء، مختصر حشر بی قیاسی به مردم روداد. الحکم لله الواحد القهار، یارب به مرحمت خود رحم فرما. الحقیق عبدالرحمن. چهارشنبه ۱۸ مولود ۱۳۶۲ مطابق ۴ حمل ۱۳۲۲ (پشت نسخه ۱۵۷۵۶ مجلس).



جلوس فتحعلی شاه گویا در همان تاریخ و در ۱۲۲۲ عباس میرزا را ولی عهد نمود

وفات فتحعلی شاه مرحوم در ۱۸ ربیع الثانی سنه ۱۲۵۰

وفات عباس میرزا مرحوم سنه ۱۲۴۹

وفات میرزا مهدی مرحوم قاضی تبریز ۲۵ ربیع الاول سنه ۱۲۴۱

وفات شیخ المجهتهدین میرزا محمد یوسف تبریزی مرحوم ۲۳ ماه شوال سنه ۱۲۴۳

وفات آقا سیدمحمد بن آقا سیدعلی طباطبایی در ۲۴ ربیع الثانی سنه ۱۲۳۲

آمدن اروس به تبریز وقت ظهر روز پنج شنبه ۳ ربیع الثانی سنه ۱۲۳۳

تشرّف خود داعی به عتبات عالیات ۱۲ جمادی الاولی سنه ۱۲۳۸

وفات ابوی مرحوم صفی سنه ۱۲۲۱

آمدن کوچ ما به تبریز. نیز وفات اخوی - روحی له الفداء ... ایضا وفات محمد صالح جان فی ۲۹ جمادی الاولی سنه ۱۲۵۱

تولد عبدالصمد بزرگ ۱۲۳۰ / وفاتش سنه ۱۲۳۶

تولد نور چشمی محمد ۱۳ ماه جمادی الاولی تخمینا به غروب روز چهارشنبه دو ساعت و نیم و یا دو ساعت مانده سنه ۱۲۳۲

تولد عبدالصمد ثانی ماه ذیحجه روز دوشنبه ۳ ساعت به غروب مانده سنه ۱۲۳۲

تولد فاطمه بیگم در ماه سنه ۱۲۳۶

تولد زهرا بیگم ۱۳ رمضان سنه ۱۲۳۶

تولد محمد رسول سنه ۱۲۵۰

زلزله تبریز مخرب سنه ۱۱۹۳

آمدن امامقلی خان افشار به تبریز سنه ۱۱۹۵

وفات محمد شاه در شوال سنه ۱۲۶۴

جلوس ولد ارشد او ناصرالدین شاه در ۱۳ ماه مزبور و سنه مزبور

ناخوشی وبا در غزه ذیقعه الحرام سنه ۱۲۳۷

تولد نور چشمی محمدرضا ان شاء الله تعالی با صلاح و فلاح به کمال برسد، در هفتم ماه جمادی الثانی روز جمعه نزدیک به ظهر سنه ۱۲۶۹